

یوسف آرینتا
07.01.2010



با پوشش کفن سفید در خدمت سلطان سیا

چه در دأور است که سوده‌های کلان نفت سیاه، دربار سلاطین ریاض را قبله و مکه کفن پوشان پرگناه ساخته است. چهل سال پس از رحلت پیامبر اسلام و ختم خلافت "راشدین"، امیر معاویه مکه و جزیرت العرب بد آب و هوا، ساکت و فاقد همه چیز را برای مرکز قدرت و امارت اش حقیر و فقیر میابد و آن محل را برای همیشه ترک میگوید. (شام) را مرکز دستگاه با شکو و بزرگش میسازد زیرا جامعه عقمانده و بدوی با ارستوکراسی دولت مقتدر و مجلل او جور در نمیآید. جنگ های معاویه با علی و یزید پسر معاویه با امام حسین تقابل قدرت ارستوکراسی در برابر فقر مادی و ساده زیستی مکی بود. پسانها خلیفه عباسی قدم فراتر گذاشت و بیشتر امارت اش را به تمدن و ثروت شرق نزدیک کرد. بغداد را که آن زمان دانشمندان برجسته را از بلخ تا شام و هنر و ثقافت شرق را در دارالفنون اش داشت، مرکز دولت (خلافت عباسی) ساخت. با افول قدرت خلافت عباسی و قدرت اقتصادی بغداد، از اهمیت بغداد بمثابة یک مرکز سیاسی اسلامی کاسته میشود.

خلافت سوم اسلامی (خلفا یا ترکان عثمانی) از استانبول (قسطنطنیه) بر مناطقی از مدیترانه، آسیای صغیر، بخشی از خاورمیانه (سوریه، لبنان، فلسطین، اردن) جزیره العرب و بخشی از شمال افریقا (مصر و لیبی)، حکم میراند. فقر، رکود اقتصادی، فرهنگ و نظامی سرزمینهای عربی را چار پنج سده به فراموشی می سپارد. تا اینکه در سده هژده میلادی سیر افول مداوم خلافت عثمانی مقارن و همپیوند با سیر ظهور و اعتلای روزافزون تمدن جدید در اروپای غرب است. کمزوری ساختار کهنه در شرق و قوت یافتن ساختار تازه در غرب فرایند عظیمی را شکل داد که سرنوشت تازه برای مردمان تحت سلطه خلفای عثمانی رقم زد. سر انجام در اوائل قرن بیستم جغرافیای کنونی خاورمیانه و جزیرت العرب بوجود آمد. نفت سیاه بود که پای اروپائی ها بخصوص بریتانیای کبیر را بر سرزمین نفت خیز عربی کشانید. بریتانیایی ها ترکان را عقب زدند. در در سرزمینها استعمار شده، بریتانیا سلاطین و پادشاهان دست نشانده از طوایف عرب مقرر کردند نیروی نظامی فرستادند تا بر چاهای نفتی نظارت دایمی داشته باشند. سر زمین نفت خیز به مکان قدرت و ثروت غرب تبدیل شد. امروز حدود 120 هزار نیروی امریکا و دهها کشتی با سلاحهای استراتژییک از سلطان و پادشاه و امیران در عربستان سعودی، امارات عربی و بحرین حفاظت میکنند. عشق صدام به نفت سیاه بود که او را رو سفید و مردم عراق را سرخ و خونین ساخت.

ثروت باد آورده نفت سیاه است که ناکسانی را بر تخت های کیانی نشانده است. آدمهای خوشباور و ساده دلی چون پرزدنت کرزی با پوشش کفن سفید به دربار قبله عالم شرفیاب میشود و با کم روئی و خجولی در کنار این و یا آن شهزاده سعودی در برابر دوربین ها قرار میگیرد. ایشان با توجیه یا بی توجیه آزموده را می آزمایند و نمیخواهند از سنت رهبران دوران جهاد و صدقه دینار عربی عقب بماند و یکبار دیگر معجزه صلح از بارگاه آل سعود با خضوع و سجود میطلبند.

صلح وطنی با تدبیر و سیاست مدبرانه وطنی بدست میاید نه با معجزه پادشاه و شهزادگان سیاه دل و سیاه کردار سعودی و خلیجی. مردم افغانستان سی سال است بهای بی مروتی رهبران پر روی جهادی و حاکم گماریده شده را میپردازد. خون های که در افغانستان ریخته شد با پول اعراب و شمشیر جهادگر عرب و عرب پرورها بوده است.

اگر با حضور 120 هزار نیروی برتر جهان در سرزمین افغانستان صلح بدست نیاید با اعجاز سلطان حجاز و ساده دلی حاکم افغانستان نیز میسر نمیشود. در گذشت هشت سال امریکا و متحدین اش بازنده جنگ با طالبان نبوده است، این دولت و رهبران بی تدبیر (مهمان) اند که بازنده دیپلماسی، تدبیر و سیاست اند و هزاران زن و مرد سرزمین شان را بی هدف به کشتن داده اند.